

SID



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



توسعه آموزش
آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



توسعه آموزش
روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



توسعه آموزش
آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران

«اگر» و معادل‌های آن در زبان عربی

سمیه کاظمی نجف‌آبادی^۱

سیدمحمد رضا ابن‌الرسول،^۲ منصوره زرکوب^۳

چکیده

ترجمه جمله‌های شرطی به دلیل منطبق نبودن ساختار نحوی دو زبان فارسی و عربی، همواره مشکلاتی برای مترجم پدید می‌آورد. یکی از جوانب این دشواری ناشی از عدم انطباق ادوات شرط فارسی و عربی است؛ بدین معنی که بیشتر جمله‌های شرطی در زبان فارسی با حرف شرط «اگر» بیان می‌شود، در حالی که در زبان عربی بیش از یک واژه معادل حرف شرط «اگر» قرار می‌گیرد.

با توجه به اهمیت معنایی جمله‌های شرطی در متون دینی و ادبی و به منظور ایجاد تعادل میان ساختار نحوی دو زبان فارسی و عربی در فرایند ترجمه، پژوهش حاضر بر آن است با بررسی و تحلیل ساختار نحوی جمله‌های شرطی زبان فارسی و عربی و تأمل در کیفیت قواعد نحوی آن، الگوهایی برای برگرداندن جمله‌های شرطی فارسی با حرف شرط «اگر» به عنوان اصلی‌ترین ادوات شرط، به زبان عربی به عنوان زبان مقصد ارائه نماید.

کلیدواژه‌ها: جمله شرطی، اگر، زبان فارسی، زبان عربی، ترجمه

مقدمه

ناآشنایی یا کم توجهی مترجم در معادل‌یابی ساختارهای نحوی زبان مبدأ و نیز کم توجهی به ساختارهای رایج و فصیح زبان مقصد از مشکلات ترجمه است. با این که بخشی از ساختارهای نحوی زبان مبدأ بر اساس اصل "نشابه ساختاری" قابل ترجمه به زبان مقصد است اما باید پذیرفت که اصل بنیادین در فرایند ترجمه چیزی جز "تعادل ترجمه" نیست. بنابراین عامل اساسی ابلاغ پیام در ترجمه، ایجاد تعادل بین ساختارهای گوناگون متن مبدأ و مقصد است. توجه به این نکته می‌تواند ترجمه‌ها را تا حد زیادی به سوی علمی‌تر شدن رهنمون باشد (قلی‌زاده، ۱۳۸۰، ص ۱۸، ۲۷۰).

بر این اساس مقابله ساختارهای نحوی میان دو زبان و ارائه راهکارهای مناسب برای برگرداندن ساختارهای زبانی زبان مبدأ به زبان مقصد اهمیت بسزایی در زبان‌شناسی تطبیقی و مبحث ترجمه دارد. یکی از این ساختارهای نحوی پر کاربرد ساختار جمله‌های شرطی است که ترجمه آن به دلیل منطبق نبودن اجزاء و عناصر ساختاری آن در دو زبان فارسی و عربی همواره مشکلاتی را برای مترجم پدید می‌آورد.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان skazemin@yahoo.com

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان ibnorrasool@yahoo.com

۳. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان mzarkoob@yahoo.com

یکی از جوانب این دشواری عدم انطباق ادوات شرط فارسی و عربی است؛ بدین معنی که بیشتر جمله‌های شرطی در زبان فارسی با حرف شرط «اگر» بیان می‌شود، در حالی که در زبان عربی بیش از یک واژه معادل حرف شرط «اگر» قرار می‌گیرد، به عنوان مثال حرف «اگر» در دو عبارت «اگر درس بخوانی، موفق می‌شوی» و «اگر درس می‌خواندی، موفق می‌شدی» یکسان است، در صورتی که در زبان عربی «اگر» در عبارت اول معادل «إن» و در عبارت دوم معادل «لو» است. بر این اساس بر آن شدیم تا در این نوشتار با مذاقه در ساختار نحوی جمله‌های شرطی زبان فارسی و عربی و تأمل در کیفیت قواعد نحوی آن راه‌هایی برای برگرداندن ساختارهای شرطی که در زبان فارسی با ادات «اگر» به کار می‌روند به زبان عربی به عنوان زبان مقصد ارائه نماییم تا در فرایند ترجمه تعادل ساختاری کاملی برقرار گردد.

ولی قبل از آن در زمینه پیشینه پژوهش باید به این نکته اشاره نمود که در زبان فارسی بیشتر کتاب‌های دستور زبان و برخی از معاجم به بررسی اسلوب شرط و حروف مخصوص آن، به ویژه حرف «اگر» پرداخته است. از مهم‌ترین آن می‌توان به کتاب *مبانی علمی دستور زبان فارسی* تألیف احمد شفائی و *دستور کامل زبان فارسی* از بهمن محتشمی اشاره نمود. همچنین مقالاتی چون «جمله‌های شرطی در زبان فارسی» از تقی وحیدیان کامیار و «اگر در گلستان» از مصطفی مقربی در این زمینه نگاشته شده است، اما در خصوص زبان فعل و تحقق یا عدم تحقق رخداد در جمله‌های شرطی زبان فارسی، و نحوه ترجمه آن در زبان عربی در حد اطلاع نگارندگان جز در مواردی محدود در کتب فن ترجمه، تحقیق مستقل و جامعی صورت نپذیرفته است.

۱. «اگر» و جمله‌های شرطی

«اگر» اصلی‌ترین و مهم‌ترین حرف ربط شرط است. این حرف به عنوان حرف ربط پیروی یا پیوند وابستگی نقشی در پیوستن کلمات و گروه‌ها ندارد و فقط دو جمله‌واره را به هم می‌پیوندد، و در حقیقت در جمله‌ای مرکب بر سر جمله‌واره پیرو (وابسته) در می‌آید و آن را در حکم قید برای جمله‌واره پایه (اصلی) می‌سازد.

فرهنگ‌نویسان و دستور پژوهان زبان فارسی «اگر» را کلمه یا حرف شرط خوانده‌اند، از آن رو که غالباً برای رساندن مفهوم شرط به کار می‌رود. از نظر دستور زبان، ملازمه و وابستگی تحقق فعل پایه به تحقق فعل در جمله‌واره پیرو است، چنانکه در جمله مرکب شرطی «اگر کار کنی، موفق می‌شوی»، کار کردن شرط و لازمه موفق شدن دانسته شده است (مقربی، ۱۳۷۵، صص ۳۹ - ۴۰).

برخی از دستور پژوهان زبان فارسی برای شرط، دو یا سه هدف قائل شده‌اند. لازار بر این عقیده است که شرط برای بیان امر محال یا احتمال یا شرط محض (فرض ساده) است. خانلری نیز بر همین عقیده است، اما احمد شفائی جمله‌های شرطی فارسی را به تحقق‌پذیر و تحقق‌ناپذیر تقسیم می‌کند، و وحیدیان کامیار شرط را در سه قسم؛ محال یا فرضی، امر محتمل و شرط ساده مورد بررسی قرار می‌دهد (وحیدیان کامیار، ۱۳۶۴، صص ۴۴ - ۴۵). اما در این نوشتار از اصطلاحات محقق الوقوع، تحقق‌پذیر (امر محتمل) و تحقق‌ناپذیر (امر محال) برای تقسیم جمله‌های شرطی بهره گرفته شده است.

لازم به ذکر است که برای دریافت تحقق‌پذیری یا عدم تحقق شرط باید متوجه خود شرط؛ یعنی عمل مندرج در جمله‌واره پیرو شرطی بود (شفائی، ۱۳۶۳، ص ۵۴۲). عمل مندرج در جمله‌واره پیرو شرطی تحت تأثیر عوامل مؤثر در معنای متن قرار می‌گیرد. این عوامل به عوامل درون‌متنی (شامل واژه، نحو، سیاق)، و عوامل برون‌متنی (شامل متکلم، مخاطب، زمان و مکان) قابل تقسیم است. البته ماهیت معنایی جمله‌واره پایه و نیز فعل آن، محدودیت‌هایی را برای انتخاب جمله‌واره پیرو قائل می‌شود، حتی در تحقق یا عدم تحقق رخداد جمله‌واره پیرو اثر می‌گذارد (رحیمیان و سنچولی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۴).

۱-۱. شرط محقق الوقوع

جمله شرطی محقق الوقوع به جمله‌های شرطی گفته می‌شود که عمل مندرج در جمله‌واره پیرو از نظر گوینده یا نویسنده عملی است که انجام شده یا حتما انجام خواهد شد؛ به عبارت دیگر جمله‌واره پیرو درباره امری واقعی است که در تحقق آن هیچ گونه تردیدی وجود ندارد. شرطی‌های محقق الوقوع برای زمان‌های گذشته و حال یا آینده به کار می‌رود، بنابراین آن را در دو قسم، یکی گذشته و دیگری حال یا آینده بررسی می‌کنیم:

۱-۱-۱. زمان گذشته

اطلاق «شرط» به عمل گذشته چیزی جز تصور و تخیل نیست، در گذشته اصولاً شرطی نمی‌تواند وجود داشته باشد. در گذشته عمل انجام شده و یا نشده است، و ما در حال حاضر فقط در عالم خیال و فرض می‌توانیم تصور کنیم که اگر آن عمل انجام می‌شد (یا نمی‌شد)، چه نتیجه و یا نتایجی بر آن مترتب بود. حال آن‌که شرطی که بر عمل آینده (یا عملی که در حال اجراست و هنوز پایان نیافته) گذاشته شود، شرط حقیقی است (شفائی، ۱۳۶۳، ص ۵۴۲ - ۵۴۳).

اگر جمله شرطی انجام شده تصور شود، فعل جمله‌واره پایه و پیرو معمولاً ماضی استمراری است برای دلالت بر کاری که امکان انجام آن در گذشته به طور عادت و با استمرار وجود داشته است، و به صورت شرطی انجام می‌شده است، مانند: «آن روزها اگر دوستان مرا دعوت می‌کردند، به خانه آنها می‌رفتم» و «آن روزها اگر هوا خوب می‌شد، گردش می‌کردیم». «اگر» در این جمله‌ها معنی نزدیک به «وقتی که»، «هنگامی که» و «هرگاه» می‌دهد به طوری که می‌توان این کلمه‌ها را جایگزین «اگر» کرد، و جمله مرکب وابسته با جمله‌واره پیرو زمانی را به دست آورد (محتشمی، ۱۳۷۰، ص ۳۳۲).

همچنین در عبارت «اگر هوا بد بود، در یک کافه درس‌های خود را از برمی‌کرد» (صادق هدایت، به نقل از شفائی، ۱۳۶۳، ص ۵۴۴)، فعل پایه و پیرو هر دو ماضی استمراری است و بر شرط محقق الوقوع در زمان گذشته دلالت دارد، مناسبات زمانی نیز در عبارت به طور نسبتاً بارز احساس می‌شود. در مورد فعل «بودن» و «داشتن» معمولاً ماضی استمراری و ماضی بعید به کار نمی‌رود و به جای آنها همان ماضی مطلق (ساده) به کار می‌رود (انوری - گیوی، ۱۳۷۰، ۲: ۴۸، محتشمی، ۱۳۷۰، ص ۳۳۷).

باید توجه داشت که همین ترکیب برای بیان جمله‌های شرطی تحقق ناپذیر و محال به کار می‌رود و فقط از روی بافت یا لحن سخن و قرائن و سوابق می‌توان به تفاوت این دو نوع جمله پی برد، به عنوان مثال در عبارت «اگر عاقل بود، به پند پدرش اهمیت می‌داد»، فعل پایه و پیرو هر دو ماضی استمراری است، ولی عبارت بر عدم تحقق شرط دلالت دارد.

«اگر» در این نوع از جمله‌های شرطی با سه حرف «کَلِمَا»، «لَمَّا» و «إِذَا» برابری می‌شود:

۱ - «کَلِمَا»: حرف شرط «اگر» در این نوع شرط دربردارنده مفهوم ظرفیت است و بر تکرار رخداد در زمان گذشته دلالت دارد، به همین دلیل در زبان عربی با «کَلِمَا» بیان می‌شود، مانند: ﴿كَلِمًا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا﴾ (آل عمران ۳: ۳۷)؛ (زکریا هر بار / هر گاه) که در محراب بر او وارد می‌شد، نزد او غذایی می‌یافت). ترجمه آیه شریف به وضوح نشان می‌دهد که «کَلِمَا» در زبان فارسی با دو واژه «هر بار» - که نشانگر تکرار است - یا «هر گاه» - که بیانگر ظرفیت است - برابری می‌شود ولی در زبان فارسی اگر حرف شرط «اگر» همزمان دو مفهوم ظرفیت و تکرار رخداد را دربرداشته باشد در عربی معادل «کَلِمَا» خواهد بود.

۲ - «لَمَّا»: «اگر» در این نوع از جمله‌های شرطی معنی نزدیک به «وقتی که»، «هنگامی که» و «هرگاه» دارد، در این صورت می‌توان آن را معادل «لَمَّا» نیز قرار داد. «لَمَّا» برای ربط دادن دو جمله در زمان گذشته به کار می‌رود و از این نظر

مانند «لو» است با این تفاوت که «لو» بر عدم تحقق دلالت دارد ولی «لَمَّا» نشانگر تحقق و وقوع رخداد در زمان گذشته است، و فعل شرط و جواب آن بعد از آن هر دو ماضی است (کری، ۲۰۰۴، ص ۱۶۲، ۱۶۶).

۳ - «إِذَا»: «إِذَا» ظرف زمان مستقبل است که غالباً متضمن معنی شرط است. برخلاف نظر پیش‌تر نحویان «إِذَا» فقط بر تحقق رویداد در زمان آینده دلالت ندارد، بلکه در مواردی خبر از تحقق رخداد در زمان گذشته می‌دهد، مانند: ﴿إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا﴾ (مریم ۱۹: ۵۸)؛ (هر گاه آیات [خدای] رحمان بر ایشان خوانده می‌شد، سجده‌کنان و گریان به خاک می‌افتادند).

۱-۱-۲. زمان حال یا آینده

در جمله شرطی که بر تحقق حتمی رخداد در زمان حال یا آینده دلالت دارد، زمان فعل پایه و پیرو مربوط به حال یا آینده است. در این صورت فعل جمله‌واره پیرو ماضی مطلق، مضارع التزامی یا مضارع اخباری، و فعل جمله‌واره پایه زمانی مناسب پیرو (مضارع اخباری، مستقبل، امر و یا مضارع التزامی) است، مانند:

فعل پیرو	مثال	فعل پایه	مثال
ماضی مطلق	«اگر از خواب برخاستی،»	امر	دندان خود را مسواک کن.»
مضارع التزامی	«اگر بهار از راه رسد،»	مضارع اخباری	گلها شکفته می‌شوند.»
مضارع اخباری	اگر هفت کشور به شاهی تو راست	مضارع اخباری	چرا رنج و محنت همی بهر ماست؟ (فردوسی، نقل از شفائی، ۱۳۶۳، ۵۴۳)

در نمونه‌های فوق حقیقت مندرج در جمله‌واره پیرو شرطی مانند «آمدن بهار» و «بلند شدن از خواب» بدون شک تحقق خواهد یافت، یا همچون نمونه اخیر در زمان خطاب موجود بوده است. البته گاهی دریافت تحقق یا عدم تحقق شرط بستگی به مخاطب و حال وی هنگام القای کلام دارد، مانند:

دعا کن به شب چون گدایان به سوز
اگر می‌کنی پادشاهی به روز

(سعدی)

در این بیت ممکن است مخاطب واقعا پادشاه باشد که در این صورت شرط محقق الوقوع است. «اگر» در این نوع از جمله‌های شرطی نیز معنی نزدیک به «وقتی که»، «هنگامی که» و «هر گاه» دارد و در زبان عربی با دو حرف شرط «إِذَا» و «إِن» برابری می‌شود.

۱ - «إِذَا» ظرف زمان مستقبل است که غالباً متضمن معنی شرط است و بر تحقق وقوع رخداد در زمان آینده دلالت دارد. اگر فعل شرط بعد از «إِذَا» ماضی باشد، مانند: ﴿وَإِذَا أَدْقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا﴾ (الروم ۳۰: ۳۶) (و هر گاه مردم را رحمتی چشاندیم، بدان شاد می‌گردند)، بر زمان حال دلالت دارد و در زبان فارسی معادل ماضی مطلق قرار می‌گیرد، و اگر مضارع باشد، مانند: ﴿إِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ يُخْرُونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا﴾ (الإسراء ۱۷: ۱۰۷) (هر گاه [این کتاب] بر آنان خوانده شود، سجده‌کنان به روی در افتند)، بر زمان آینده دلالت دارد و در فارسی با مضارع التزامی یا مضارع اخباری برابری می‌شود. البته فعل ماضی مطلق و مضارع التزامی و گاهی مضارع اخباری به جای یکدیگر به کار می‌روند؛ بدین معنی که هر یک از این افعال می‌تواند در جمله شرطی عربی معادل فعل ماضی و مضارع قرار گیرد.

۲ - «إِن» بر احتمال وقوع رخداد در زمان آینده دلالت دارد، ولی بر اساس آنچه که در مختصر المعانی آمده است، گاهی «إِن» به دلایل بلاغی حاکی از تحقق شرط است؛ یکی از این دلایل بلاغی آن است که مخاطب آگاه به تحقق شرط را

به منزله شخص نا آگاه به حساب آوریم، مانند مخاطب قرار دادن کسی که پدرش را آزار می‌دهد: «إِنْ كَانَ أَبَاكَ فَلَا تُؤْذِهِ» (اگر او پدر توست، آزارش نده) (تفتازانی، ۱۳۸۳، ص ۹۲). مصراع اول بیت فوق با توجه به آن چه ذکر شد در زبان عربی این گونه ترجمه می‌شود: «إِنْ كُنْتَ مَلَكًا عَلَى الْأَقَالِيمِ السَّبْعَةِ».

۱-۲. شرط تحقق پذیر

در شرط تحقق پذیر عمل مندرج در جمله‌واره پیرو از نظر گوینده یا نویسنده عملی تحقق پذیر است، یعنی احتمال تحقق و عدم تحقق آن وجود دارد. البته می‌تواند اجرا نشود ولی به هر حال خارج از دایره امکان نیست. شرط تحقق پذیر برای زمان‌های گذشته و حال یا آینده به کار می‌رود، بنابراین آن را در دو قسمت بررسی می‌کنیم:

۱-۲-۱. زمان گذشته

شرطی تحقق پذیر اگر بر احتمال و فرض وقوع فعل در زمان گذشته دلالت کند، فعل پیرو آن ماضی التزامی یا ماضی نقلی، و فعل پایه آن معمولاً به صیغه ماضی نقلی به کار می‌رود، مانند:

فعل پیرو	مثال	فعل پایه	مثال
ماضی نقلی	«اگر آن کار را تو کرده‌ای،»	ماضی نقلی	خیلی بد کرده‌ای.»
ماضی التزامی	«اگر پاریس رفته باشی،»	ماضی نقلی	برج ایفل را دیده‌ای.»

در مثال دوم بدون شک گوینده یا نویسنده از انجام شدن یا نشدن جمله شرطی (پیرو) آگاهی ندارد، به دلیل آن که وجه التزامی (ماضی التزامی و مضارع التزامی)، همیشه دارای ارزش احتمال است (لازار، ۱۳۸۴، ص ۲۵۳). گاهی در جمله‌های پایه کلمه «باید» و «شاید» به کار می‌رود، در این صورت فعل ماضی نقلی در جمله‌واره پایه به ماضی التزامی تبدیل می‌شود، مانند: «اگر به پاریس رفته‌ای (رفته باشی)، باید برج ایفل را دیده باشی.» اصولاً درباره تمام افعال باید گفته شود که اگر قیدی غیر عادی بگیرند معنی خود را عوض می‌کنند، و کلماتی از قبیل «کاش» و «شاید» و «باید» باعث می‌شود که افعال معنی التزامی پیدا کنند (شریعت، ۱۳۷۵، ص ۱۴۷)، چرا که این کلمات از نشانه‌های وجه التزامی است (فرشیدورد، دستور مختصر/مروزی، ص ۲۴۵).

حرف «اگر» در این جمله‌های شرطی با «إِنْ» که در زبان عربی نشانگر احتمال وقوع رخداد در زمان آینده است، برابری می‌شود. در این قسم از جمله‌های شرطی فعل شرط ترکیبی از (کان + فعل ماضی)، و جواب شرط فعل ماضی مسبوق به «قد» است، مانند: «إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ» (مائده: ۱۱۶).

ترکیب «قد» + فعل ماضی در زبان فارسی معادل ماضی نقلی است. البته گاهی «قد» از فعل ماضی حذف می‌شود، ولی فعل باز هم در معنی ماضی نقلی است، مانند: «وَإِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدًّا مِنْ دَبْرٍ فَكَذَّبْتَ» (یوسف ۱۲: ۲۷). بنابر آنچه گفته شد آیه فوق در زبان فارسی به گونه‌های زیر ترجمه می‌شود:

الف - اگر پیراهن یوسف از پشت پاره شده باشد، آن زن دروغ گفته است.

ب - اگر پیراهن یوسف از پشت پاره شده است، آن زن دروغ گفته است.

۱-۲-۲. زمان حال یا آینده

اگر جمله‌های شرطی حاکی از ابهام در تحقق رخداد در زمان حال یا آینده باشد، در دو قسمت مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد:

الف) جمله‌واره پیرو و پایه مربوط به حال یا آینده

اگر پیرو در زمان آینده واقع شود پایه نیز که معمولاً مترتب بر آن است، طبیعتاً مربوط به آینده یا امر است، چون وقوع آن مشروط به جمله‌واره پیرو است. در این صورت فعل پیرو ماضی مطلق یا مضارع التزامی خواهد بود. فعل پایه نیز بسته به معنی، مضارع اخباری، مضارع التزامی، مستقبل، امر، ماضی نقلی و یا ماضی مطلق است، مانند:

فعل پیرو	مثال	فعل پایه	مثال
ماضی مطلق	«اگر به شیراز رفتیم»	مضارع اخباری	از تخت جمشید دیدن می‌کنیم».
	«اگر به شیراز رفتیم»	مستقبل	از تخت جمشید دیدن خواهیم کرد».
	«اگر به نیشابور رفتی»	امر	آرامگاه خيام را زیارت کن».
	«اگر در این درگیری کوتاه آمد»	ماضی نقلی	دیگر قافیه را باخته است».
	«اگر زود پیغام را رساندی»	ماضی مطلق	مزدگانی را گرفتی».
مضارع التزامی	«اگر مرده‌ای کفن به دندان بگیرد»	مضارع اخباری	بین زندگان مرگ و میر می‌افتد» (هدایت، نقل از وحیدیان کامیار، ۱۳۶۴، ۵۳).
	به لطف اگر بخرامد به قهر اگر بستیزد	مضارع التزامی	هزار دل ببرد هزار تن بکشد (سعدی)
	«اگر به موزه بروی»	مستقبل	آثار باستانی را خواهی دید».
	«گرت از دست برآید»	امر	دهنی شیرین کن» (سعدی، نقل از خانلری، ۱۳۷۰، ۲۶۹).
	«اگر در هر مدرسه بسته بشود»	ماضی نقلی	در یک اداره بسته شده است» (آل احمد، نقل از وحیدیان کامیار، ۱۳۶۴، ۵۳).
مضارع اخباری	«اگر می‌آیی»	مضارع التزامی	من هم بیایم».
	بگفتا گر این مرد بد می‌کند	مضارع اخباری	نه با من که با نفس خود می‌کند (بوستان سعدی، نقل از خطیب رهبر، ۱۳۶۷، ۱۰۸)
	«اگر خوب درس می‌خواند»	مستقبل	بی‌شک قبول خواهد شد».
	مزد اگر می‌طلبی	امر	طاعت استاد ببر (حافظ)

فعل ماضی مطلق و مضارع التزامی در جمله‌واره‌های پیرو شرطی بر زمان آینده دلالت دارد. بین این دو فعل مرز واضحی نیست و معمولاً می‌توانند به جای هم به کار روند. با وجود این می‌توان گفت معمولاً با فعل ماضی مطلق درجه تحقق‌پذیری شرط قدری شدیدتر تصور می‌شود ولی با مضارع التزامی درجه ابهام و عدم اطمینان بیشتر است، زیرا برخلاف وجه اخباری که عمل واقعی را می‌رساند، مضارع التزامی در مواردی به کار می‌رود که تحقق عمل قطعی در نظر گرفته نمی‌شود. این وجه در بیان آرزو، امکان، اجبار، شک، تردید، شرط و مانند آنها به کار می‌رود (لازار، ۱۳۸۴، ص ۱۷۶).

کاربرد فعل ماضی مطلق در پایه نیز برای تأکید بر انجام فعل است، مانند: «اگر زود پیغام را رساندی، مژدگانی را گرفتی»؛ یعنی: «اگر زود پیغام را برسانی، مژدگانی را می‌گیری / خواهی گرفت»، فعل ماضی در این عبارات معنی زمان حال یا آینده را می‌رساند که در معنی آن قطعیت وجود دارد و برخی آن را «مستقبل محقق الوقوع» می‌نامند، یعنی آینده‌ای که حتما اتفاق خواهد افتاد (شریعت، ۱۳۷۵، ص ۱۴۷).

در زبان عربی شرطی که بر احتمال تحقق رخداد در زمان حال یا آینده دلالت دارد، با حرف شرط «إن» بیان می‌شود. در این صورت اشکال مختلف فعل شرط و جواب شرط به شرح ذیل است:

فعل شرط	مثال	فعل جواب شرط	مثال
مضارع	﴿وَإِنْ تَعُودُوا﴾	مضارع	نَعُدُّ (انفال ۸: ۱۹) (اگر باز می‌گردید، ما نیز باز می‌گردیم).
ماضی	﴿وَإِنْ عُدْتُمْ﴾	ماضی	عُدْنَا (اسراء ۱۷: ۸) (اگر باز گشتید، ما نیز باز می‌گردیم).
ماضی	﴿إِنْ أَكْرَمْتَنَا﴾	مضارع	نُكْرِمُكَ (اگر ما را گرامی داشتی، با احترام با تو رفتار می‌کنیم).

گاهی فعل شرط مضارع و جواب شرط ماضی است، ولی این مورد بسیار کم کاربرد و محل اختلاف نحویان است. البته جواب شرط می‌تواند جمله اسمیه، فعل طلبی (امر، نهی، دعا)، ماضی منفی به «ما» یا «لن»، فعل جامد (نعم و بئس)، فعل مقرون به «قد»، «سین» یا «سوف» باشد در این صورت باید حرف «فاء» بر جواب شرط وارد شود. فعل ماضی در شرط بر زمان آینده دلالت دارد، این مسأله فقط مختص زبان عربی نیست، بلکه در بسیاری از زبان‌های سامی مانند: اکدی، عبری، حبشی فعل ماضی در جمله شرط، و فعلی که حاکی از زمان حال یا آینده است، در جواب شرط به کار می‌رود. جز این که در زبان عربی ماضی و مضارع هر دو در جمله شرط و جواب شرط به کار می‌رود (برجستراسر، ۱۹۹۴، ص ۱۹۸).

اگر فعل شرط ماضی باشد (شکل دوم و سوم)، بر زمان حال دلالت دارد و در زبان فارسی از نظر ساختاری معادل ماضی مطلق قرار می‌گیرد، و اگر مضارع باشد (شکل اول و چهارم)، بر زمان آینده دلالت دارد و معادل مضارع التزامی و گاهی مضارع اخباری است. گر چه می‌توان در جمله‌واره پیرو فارسی دو فعل ماضی مطلق و مضارع التزامی را به جای یکدیگر به کار برد، و هر دو فعل می‌تواند در جمله شرطی عربی معادل فعل ماضی و مضارع باشد، به عنوان مثال جمله «إن أسلم...» و «إن یسلم...» به دو صورت «اگر اسلام آورد» و «اگر اسلام آورد» ترجمه می‌شود، ولی شایسته است در برابری تا زمانی که انتقال معنی مورد نظر امکان دارد، به ساخت ظاهری فعل در زبان مبدأ و مقصد نیز توجه شود.

در این نوع از جملات شرطی فعل شرط بعد از حرف «إن» می‌تواند به دو گونه زیر نیز باشد:

۱ - (ماضی «کان» + فعل مضارع): این ترکیب در زبان عربی معادل ماضی استمراری فارسی است، ولی در اسلوب شرط معادل مضارع التزامی و مضارع اخباری قرار می‌گیرد، مانند: ﴿إِنْ كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يُغْوِيَكُمْ﴾ (هود ۱۱: ۳۴)؛ (اگر خداوند بخواهد شما را بیراه گذارد)، و ﴿إِنْ كُنْتُمْ تُرَدُّنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنَّتْهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتَّعْنَ﴾ (احزاب ۳۳: ۲۸)؛ (اگر زندگی دنیا و تجمل آن را می‌خواهید، بیایید تا بهره‌مندتان سازم).

۲ - (مضارع «کان» + فعل مضارع): این ترکیب نیز در جمله‌های شرطی معادل مضارع التزامی و اخباری است، مانند: ﴿إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ﴾ (نساء ۴: ۱۰۴)؛ (اگر شما رنج می‌برید، آنان نیز چون شما رنج می‌برند).

در زبان عربی جواب شرط چه ماضی باشد و چه مضارع معادل فعل مضارع اخباری یا مستقبل است. حتی در مواردی که فعل پایه در زبان فارسی ماضی مطلق یا ماضی نقلی باشد در زبان عربی با فعل ماضی یا مضارع برابری می‌شود، زیرا در این موارد ماضی مطلق و ماضی نقلی در جمله‌واره پایه به معنی مضارع اخباری یا مستقبل است.

ب) جمله‌واره پیرو مربوط به گذشته و پایه مربوط به حال یا آینده

در این جمله‌ها فعل پیرو ماضی التزامی، ماضی بعید و مضارع التزامی، و فعل پایه مستقبل، مضارع اخباری، ماضی نقلی یا امر است، مانند:

فعل پیرو	مثال	فعل پایه	مثال
ماضی التزامی	«اگر راستش را گفته باشی،	مضارع اخباری	من سر قولم می‌ایستم».
	«اگر (دیروز) کار خود را خوب انجام داده باشی،	مستقبل	جایزه خواهی گرفت».
ماضی نقلی	«اگر کار خود را خوب یاد گرفته‌ای،	مضارع اخباری	موفق می‌شوی».
	«اگر در امتحانات موفق شده است،	مستقبل	به او جایزه خواهیم داد».
	«اگر روزنامه را خوانده‌ای،	امر	بده تا من هم بخوانم».
ماضی بعید	«اگر نامه را نوشته بود،	مضارع اخباری	فورا آن را برایت می‌فرستم».
		مستقبل	فورا آن را برایت خواهم فرستاد».
		امر	فورا آن را به دست من برسان».

سیاق سخن و یا کاربرد قید زمان گذشته - همانند قید «دیروز» در نمونه دوم - نشان می‌دهد که فعل ماضی التزامی در جمله‌واره پیرو این قسم از جمله‌های شرطی، بر زمان گذشته دلالت دارد.

اگر در جمله‌واره پایه کلمه «باید» به کار رود فعل مضارع ساده به مضارع التزامی تبدیل می‌شود، مانند: «اگر در امتحانات موفق شده است، باید جایزه بگیرد»، که معادل این عبارت است: «اگر در امتحانات موفق شده است، جایزه می‌گیرد».

«اگر» در این گونه از جمله‌های شرطی معادل حرف «إن» است که در زبان عربی بر احتمال وقوع فعل دلالت دارد. در این صورت فعل شرط بعد از حرف «إن» بر دو گونه ذیل است:

۱ - (کان + فعل ماضی) یا (کان + قد + فعل ماضی): این ترکیب در زبان فارسی معادل ماضی بعید است، اما در این نوع شرط معادل ماضی التزامی، ماضی بعید و ماضی نقلی زبان فارسی قرار می‌گیرد، و فعل جواب باید زمان آینده را برساند، مانند: «إن كنت ألممت بذنب، فاستغفری الله» (سامرائی، ۲۰۰۷، ۴: ۵۵). بنابراین حدیث شریف در زبان فارسی برابر با این عبارت است: «اگر گناهی کرده‌ای، از خدا آمرزش بخواه».

۲ - (مضارع «کان» + قد + فعل ماضی): ماضی التزامی که در فارسی از صفت مفعولی و مضارع التزامی «باشیدن» ساخته می‌شود، در عربی با (مضارع «کان» + قد + فعل ماضی) بیان می‌شود (زرکوب، ۱۳۷۸، ص ۱۲۳). ولی چنین ترکیبی در اسلوب شرط معادل ماضی التزامی و گاهی ماضی نقلی قرار می‌گیرد، مانند: «فإن یکن أمرنا بخیر مضینا فیه وإن یکن قد أمرنا بغیر ذلک لم نهلک أنفسنا» (البغدادی، ۱۹۹۸، ۲: ۳۲۷): «اگر بر ما به نیکی فرمان داده باشد، گردن تسلیم فرو نهمیم، و اگر بغیر آن امر کرده باشد، خود را به هلاکت نیندازیم».

۱- ۳. شرط تحقق ناپذیر

شرط تحقق ناپذیر شرطی است محال و غیر واقعی که از نظر گوینده یا نویسنده قطعا انجام نیافته یا انجام یافتن آن غیر ممکن است. بدین ترتیب در جمله‌های پیرو شرط تحقق ناپذیر، امکان وقوع شرط مندرج در جمله‌واره پیرو به طور قطع

و یقین و تحت هیچ گونه شرایطی وجود ندارد. به عبارت دیگر تحقق پذیری شرط در عالم واقع غیر ممکن است. این شرط بیشتر برای زمان گذشته است به همین دلیل در این مقاله فقط به بررسی آن در زمان گذشته می پردازیم. در زبان فارسی هر گاه جمله شرطی بیانگر شرطی تحقق نیافته و غیر واقعی باشد، زمان دو فعل پایه و پیرو هر دو به صیغه ماضی استمراری یا ماضی بعید خواهد بود. البته اگر در جمله شرطی فعل پایه ماضی استمراری یا بعید باشد الزاما فعل پیرو نیز ماضی استمراری یا بعید است، اما عکس آن صحیح نیست، بنابراین در جمله: «اگر کتابها را خریده بود، برایت می آورم» که فعل پایه مضارع اخباری است، شرط بر احتمال دلالت دارد نه امر محال (وحیدیان کامیار، ۱۳۶۴، ص ۴۵).

با این وصف، زمانی که شرط بر امری محال و تحقق ناپذیر در زمان گذشته دلالت دارد، با توجه به فعل پایه و پیرو چهار نوع جمله شرطی به دست می آید:

فعل پیرو	مثال	فعل پایه	مثال
ماضی استمراری	«اگر با ما همکاری می کردی، دانشگاه ...»	ماضی استمراری	موفق می شدیم.»
ماضی بعید	«اگر با ما همکاری کرده بودی.»	ماضی استمراری	موفق می شدیم.»
ماضی استمراری	«اگر با ما همکاری می کردی.»	ماضی بعید	موفق شده بودیم.»
ماضی بعید	«اگر با ما همکاری کرده بودی.»	ماضی بعید	موفق شده بودیم.»

هر چهار صورت فوق می توانند برای زمان گذشته به کار روند و در این زمان اختلاف محسوسی با هم ندارند، بنابراین به جای یکدیگر به کار می روند. با وجود این کاربرد صورت اول و دوم بیشتر است (محتشمی، ۱۳۷۰، ص ۳۳۵). در زبان عربی جمله های شرطی تحقق ناپذیر در زمان گذشته با حرف «لو» امتناعیه بیان می شود. «لو» حرف شرط غیر عاملی است که به زمان گذشته اختصاص دارد و غالبا بعد از آن فعل ماضی قرار می گیرد. اگر این حرف بر فعل مضارع وارد شود، معنی آن را به زمان ماضی تبدیل می کند، مانند: ﴿وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ دَابَّةٍ﴾ (النحل ۱۶: ۶۱)؛ (و اگر خداوند مردم را به [سزای] ستمشان مؤاخذه می کرد، جنبنده ای بر روی زمین باقی نمی گذاشت). با توجه به آنچه ذکر شد، فعلی که پس از حرف «لو» در جمله شرط و جواب شرط (= فعل پیرو و پایه) می آید، در یکی از صورت های زیر است:

فعل شرط	مثال	فعل جواب شرط	مثال
ماضی	﴿وَلَوْ شَاءَ﴾	ماضی	لَهَذَاكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿ (نحل ۱۶: ۹) (اگر می خواست، همگی شما را هدایت می کرد).
مضارع	﴿لَوْ نَشَاءُ﴾	ماضی	لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا ﴿ (واقعه ۵۶: ۶۵) (اگر می خواستیم، قطعا آن را خرد و ریز می ساختیم).
کان + مضارع	﴿لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ﴾	ماضی	مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ ﴿ (سبأ ۳۴: ۱۴) (اگر غیب می دانستند، در آن عذاب خفت بار نمی ماندند).

اگر در جمله شرط فعل بعد از حرف «لو» ماضی باشد (مانند نمونه اول)، بهتر است آن را معادل ماضی بعید در زبان فارسی دانست. ولی اگر فعل بعد از «لو» مضارع باشد (مانند نمونه دوم)، بهتر است آن را معادل ماضی استمراری فارسی دانست. همچنین ترکیب (لو + کان + فعل مضارع = نمونه اخیر) در زبان فارسی با فعل ماضی استمراری برابری می کند.

فعلی که در جواب شرط آمده است، می‌تواند در زبان فارسی به دو صورت ماضی بعید و ماضی استمراری بیان شود. البته کاربرد ماضی استمراری - همان‌گونه که ذکر شد - بیش از ماضی بعید است. ناگفته نماند که گاهی «اگر» تحقق‌ناپذیر معادل حرف «لولا» است، و آن زمانی است که بعد از «اگر» منفی فعل «بودن» قرار گیرد، مانند: «اگر دادگری نبود، ملت تباه می‌شد» که در زبان عربی به این صورت بیان می‌شود: «لولا العدل لفسدت الرعية». البته همانند نمونه مذکور بعد از آن فقط جمله اسمیه قرار می‌گیرد.

۲. نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر به بررسی حرف شرط «اگر» و انواع ترکیب‌های شرطی آن در زبان فارسی پرداخته شد. در این راستا جمله‌های شرطی با حرف شرط «اگر» در سه دسته محقق‌الوقوع، تحقق‌پذیر و تحقق‌ناپذیر مورد بررسی قرار گرفت، و حروف شرطی که در زبان عربی می‌تواند معادل «اگر» قرار گیرد، ارائه شد. مهمترین دستاوردهای این نوشتار را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

۱ - شرطی‌های محقق‌الوقوع فارسی که بر تحقق حتمی زخداد دلالت دارد در زمان گذشته معمولاً با فعل پایه و پیرو ماضی استمراری بیان می‌شود. در این صورت «اگر» در زبان عربی معادل «کَلَمًا»، «لَمَّا» و «إِذَا» قرار می‌گیرد. شرطی محقق‌الوقوع در زمان حال یا آینده با فعل پیرو ماضی مطلق، مضارع التزامی یا اخباری ذکر می‌شود که در زبان عربی با «إِذَا» و گاهی «إِنْ» و فعل شرط ماضی یا مضارع برابر است.

۲ - شرطی‌های تحقق‌پذیر فارسی در زمان گذشته معمولاً با فعل پیرو ماضی التزامی یا ماضی نقلی بیان می‌شود و در عربی با حرف «إِنْ» و فعل شرط (کان + فعل ماضی) همراه است. این شرط در زمان حال یا آینده غالباً با افعال پیرو ماضی مطلق، مضارع التزامی و اخباری همراه است که معادل آن در عربی حرف «إِنْ» با فعل شرط ماضی، مضارع یا ترکیب (کان + فعل مضارع) است.

۳ - شرطی‌های تحقق‌ناپذیر در زمان گذشته با افعال ماضی استمراری و ماضی بعید بیان می‌شود در این صورت «اگر» در زبان عربی معادل «لو» امتناعیه است. بنابر آنچه ذکر شد حرف شرط «اگر» بسته به تحقق یا عدم تحقق شرط، در زبان عربی با حروف «إِنْ»، «إِذَا»، «لَمَّا»، «کَلَمًا» و «لو» برابریابی می‌شود.

منابع

• قرآن کریم

۱. انوری، حسن؛ و حسن احمدی گیوی (۱۳۷۰)، دستور زبان فارسی ۲، چ ۲، ۶، ج. تهران، فاطمی.
۲. برجستراسر (۱۹۹۴م)، التطور النحوی للغة العربیة. صححه وعلق علیه الدكتور رمضان عبدالنواب. ط ۲. قاهره، مكتبة الخانجي.
۳. البغدادي، عبد القادر بن عمر (۱۹۹۸)، خزائن الأدب ولب لباب لسان العرب. تحقیق: محمد نبیل طریفی و امیل بدیع الیعقوب. ۱۳ ج. بیروت، دار الکتب العلمیة.
۴. حسن، عباس (۱۴۲۵هـ)، النحو الوافی. چ ۷، ۴ ج. تهران، ناصر خسرو.
۵. خانلری، پرویز (۱۳۷۰)، دستور زبان فارسی. چ ۱۲، تهران، توس.

۶. خطیب رهبر، خلیل (۱۳۶۷)، دستور زبان فارسی (کتاب حروف اضافه و ربط). چ ۲. تهران، سعدی.
۷. رحیمیان، جلال؛ و عطاالله سنچولی (۱۳۹۰)، «تأثیر جنبه‌های صوری، نحوی و معنایی فعل بند پایه بر محتوای معنایی بند پیرو». نشریه ادب و زبان دانشگاه شهید باهنر کرمان. ۳۰: ۱۴۷ - ۱۶۹.
۸. زرکوب، منصوره (۱۳۷۸)، روش نوین فن ترجمه (فارسی - عربی، عربی - فارسی). چ ۳. اصفهان، مانی.
۹. سامرائی، فاضل صالح (۲۰۰۷)، معانی النحو، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۱۰. شریعت، محمد جواد (۱۳۷۵)، دستور زبان فارسی. چ ۷. تهران، اساطیر.
۱۱. شفائی، احمد (۱۳۶۳)، مبانی علمی دستور زبان فارسی. تهران، نوین.
۱۲. عمایره، اسماعیل أحمد؛ و عبد الحمید مصطفی السید (۱۹۹۸)، معجم الأدوات والضمائر فی القرآن الکریم. ط ۴. بیروت، مؤسسه الرسالة.
۱۳. فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۸)، دستور مختصر امروز بر پایه زبان‌شناسی جدید. تهران، سخن.
۱۴. فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۸)، دستور مفصل امروز. چ ۳. تهران، سخن.
۱۵. قلیزاده، حیدر (۱۳۸۰)، مشکلات ساختاری ترجمه قرآن کریم، تبریز، مؤسسه تبلیغاتی علوم اسلامی.
۱۶. کریری، ناصر بن محمد بن ناصر (۲۰۰۴)، أسلوب الشرط بین النحویین والأصولیین. ریاض، جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية.
۱۷. لازار، ژیلبر (۱۳۸۴)، دستور زبان فارسی معاصر. ترجمه: مهستی بحرینی. تهران، هرمس.
۱۸. مقربی، مصطفی (۱۳۷۵)، هژده گفتار (مجموعه مقالات). تهران، توس.
۱۹. محتشمی، بهمن (۱۳۷۰)، دستور کامل زبان فارسی. تهران، اشراقی.
۲۰. وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۶۴)، «جمله‌های شرطی در زبان فارسی». زبان‌شناسی ۲: ۴۳ - ۵۶.

SID



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



کارگاه آموزشی
آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



کارگاه آموزشی
روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



کارگاه آموزشی
آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران